

ائتلاف حکومت ایران و مقتدی صدر علیه انقلاب در عراق

زیدون الکیانی

قیام مردمی در عراق نقاب از سیمای تمام رهبران فرقه‌گرایی برداشته که در پی سوار شدن بر موج انقلاب در این کشور اند.

برای فهم ائتلاف ناگهانی اخیر میان جمهوری اسلامی ایران و روحانی مذهبی-سیاسی عراقی، مقتدی صدر، نخست باید بر خاستگاه‌ها و ماهیت این رابطه دقت کرد، و دید چگونه اعتراضات مردمی اخیر باعث تغییر رویکرد ایران و صدر نسبت به یکدیگر شده است.

مقتدی صدر فرزند یکی از برجسته‌ترین روحانیان شیعه، سید محمد صدر است که به دست رژیم صدام در سال ۱۹۹۹ کشته شد. پس از تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳، مقتدی نام و جایگاه صدر را دوباره در عراق احیا کرد و بدل به یکی تأثیرگذارترین چهره‌هایی شد که از خلاء قدرت ناشی از سرنگونی رژیم بعث بهره بود؛ رژیمی که دهه‌ها بر عراق حکم رانده بود.

اولین حضور قابل توجه صدر به سال ۲۰۰۳ برمی‌گردد، وقتی که او به عنوان رهبر گروه شبه نظامی جیش المهدی در صحنه سیاسی عراق حاضر شد و اشغال نظامی این کشور توسط ارتش آمریکا را، به ویژه در بغداد، بصره و نجف، شهر مقدس شیعیان، محکوم کرد و به چالش کشید. این وقایع برچسب ملی‌گرایی را بر نام صدر سنجاق کرد، برچسبی که که او همیشه به دنبال آن بود. از سوی دیگر، ایران نیز از پیوند خوردن شیعه و احساسات ضدآمریکایی در عراق بهره برد.

با وجود این، محبوبیت صدر و شبکه‌ای که ساخته بود، رفته رفته محو شد، به ویژه پس از اینکه جیش المهدی در سالهای ۲۰۰۶-۲۰۰۸ درگیر مجادلات فرقه‌ای شد. بسیاری از سازمان‌های غیرانتفاعی بین‌المللی و نهادهای مدافع حقوق بشر گروه شبه‌نظامی جیش المهدی را متهم به هدایت و سازمان‌دهی ترورهای هدفمند علیه سنی‌های عراقی کردند، سوءقصدهایی که منجر به آوارگی سنی‌ها از بسیاری از مناطق بغداد و سایر استان‌ها شد.

باور عمومی بر این است که هدف گرفتن سنی‌ها جوششی ارتجاعی بود پس از بمب‌گذاری در حرم عسکریین، آرامگاه امام دهم و یازدهم شیعیان در سامرا.

ائتلاف صدر با ایران بعداً بدل به رقابت شد، پس از اینکه برخی گروه‌های انشعابی از سازمان سیاسی صدر به طور مجزا تحت حمایت ایران قرار گرفتند. یک مثال قابل توجه عصائب اهل حق است، تحت رهبری قیس خزعلی، روحانی و سیاستمدار طرفدار ایران.

بسیاری از طرفداران مقتدی صدر اعتقاد دارند که این انشعابات نتیجه لبریز شدن صبر صدر از دخالت ایرانی‌ها و اولویت‌بخشی به منافع خودشان بر منافع عراقی‌ها به‌طور مداوم بود.

صدر با رهبران مختلف دولت و پارلمان عراق از جمله نخست نوری مالکی و حیدر عبادی، نخست وزیران سابق عراق و بسیاری دیگر متحد شده و به رقابت پرداخته است، و همین باعث شده که او همچون یک اصلاح طلب فرا-فرقه‌ای و ضد-ایران تصور و تجسم شود.

اعتراضات عراق

اعتراضات عراق، در اکتبر ۲۰۱۹ علیه استانداردهای پایین زندگی، میزان بالای بیکاری، فساد، فرقه‌گرایی و بسیاری از ناتوانی‌ها یا شکست‌های دیگر رژیم سیاسی حاکم پس از ۲۰۰۳ درگرفت. صدر به دلایل مختلف بسیار مردد بود که آیا به اعتراضات بپیوندد یا نه.

این اولین بار بود که جنبش طرفداران مقتدی صدر نتوانست نقش اصلی را در هدایت اعتراضات به عهده بگیرد و معترضان بدون هیچ ابهامی نشان دادند که کوچکترین اقدام شخصیت‌هایی مذهبی یا سیاسی فرقه‌گرا در جهت بهره‌برداری از اعتراضات را برای تضمین حضور خویش در دوره انتقالی بر نمی‌تابند.

جنبش طرفدار صدر در نهایت توانست در صف معترضان رسوخ کند، با این توجیه که حامی و کمک‌حال معترضان در برابر شبه‌نظامیان طرفدار ایران است. با وجود این، بسیاری از فعالان سیاسی عراق ظن و تردید خود نسبت به این مداخله طرفداران صدر را بیان کرده‌اند، و بحث و اختلاف نظر در مورد مشروعیت مشارکت صدر در میان معترضان داغ است، به‌ویژه با توجه به این که در تمام مجلس‌ها و دولت‌های عراق از سال ۲۰۰۳ تا کنون نمایندگانی از جنبش صدر حاضر بوده‌اند.

دست آخر، حضور طرفداران صدر در اعتراضات عراق دوام چندانی نداشت و هم ایران و هم مقتدی صدر روابط خود را بایکدیگر بر اساس یک منفعت مشترک دوباره برقرار کردند: آمریکا به مثابه دشمن مشترک.

قتل قاسم سلیمانی و ابومهدی المهندس، رهبر نیروهای حشد شعبی به دست آمریکا در تاریخ ۳ ژانویه سال ۲۰۲۰، بزرگترین برگ جمهوری اسلامی را در عرصه عراق از آن گرفت. این خلاء قدرت در جبهه ایران در عراق، فرصتی برای صدر بود تا بدل به مرد جدید ایران شود، آن هم در شرایطی که او با واکنش شدید مردم روبرو شده بود و معترضان بر نمی‌تافتند او خود را به عنوان رهبر قیام تصویر و تحمیل کند.

لفاظی ضد-آمریکایی

ادبیات ضدآمریکایی که هم از زبان گروه‌هایی از معترضان شنیده شده و هم در رأی مجلس عراق مبنی بر خروج نیروهای آمریکایی از این کشور تجلی یافت، در واقع اقدامی از جانب ایران و متحدان آن در حکومت عراق بود تا جنبش اعتراضی تحت الشعاع قرار گیرد، چرا که این جنبش مستقیماً خود ایران را هدف گرفته بود. تهدید سیاسی و برخورد نظامی میان آمریکا و ایران باعث شد روند اخباری که در مورد عراق منتشر می‌شد، تغییر کند؛ تا پیش از آن عراق در اخبار کشوری جنگ‌زده بود که صحنه خیزشی به رهبری جوانان است، اما پس از آن به میدان جنگ نیابتی ایران و آمریکا بدل شد.

وقتی شبه‌نظامیان طرفدار ایران علیه سفارت آمریکا در بغداد تظاهراتی را تدارک دیدند و حتی وقتی که پارلمان عراق رأی به خروج نیروهای آمریکایی از عراق داد، صدر هنوز کاملاً با ایران جفت و جور نشده بود. اولین

پذیرش عمومی و رسمی نفوذ ایران در عراق از جانب صدر، زمانی رخ داد که او تظاهرات ضد-آمریکایی را رهبری کرد؛ تظاهراتی که بسیاری از رسانه‌های غربی آن را به عنوان اعتراضات خودجوش همان مردمی به تصویر کشیدند که علیه نظام سیاسی فاسد عراق از اکتبر ۲۰۱۹ به خیابان آمده بودند.

اعتراض ضد آمریکایی به رهبری صدر و هوادارانش باعث شد موضع مردم معترضات عراق در نگاه رسانه‌های غربی و به ویژه رسانه‌های آمریکا بیش از پیش پیچیده‌تر و مبهم‌تر به نظر بیاید. با وجود این، جامعه بین‌المللی رفته رفته توانسته میان اعتراضات عراق علیه فساد و فرقه‌گرایی با اعتراضات تحت هدایت گروه‌های طرفدار ایران برای منحرف کردن توجه به اعتراضات ضدفساد و فرقه‌گرایی تمایز قائل شود.

اتحاد صدر و ایران علیه جنبش اعتراضی عراق

طرفداران مقتدی صدر مدعی اند که اعتراضات عراق فاقد حمایت و پشتیبانی لجستیک است و از تعداد معترضان نیز کاسته شده است. شکی نیست که هیچ چتر حمایتی‌ای بر سر معترضان گسترده نیست؛ گواه آن کشتار خونبار معترضان به دست شبه‌نظامیان طرفدار ایران در پی کناره‌گیری جنبش طرفداران صدر در شهرهای بغداد، ناصریه، بصره و نجف است. به‌نظر، کناره‌گیری طرفداران صدر چراغ سبزی بود نزد شبه‌نظامیان طرفدار ایران برای سرکوب و کشتار معترضان.

با وجود این، کناره‌گیری طرفداران صدر امکان و فرصتی برای جنبش اعتراضی فراهم آورده تا سردرگمی‌ها و تردیدهای درونی‌اش را در مبارزه علیه رژیم فاسد و فرقه‌گرایی حاکم پشت سر بگذارد. در عین حال، خشونت علیه معترضان انگیزه‌ای شد برای بازگشت خانواده‌ها و دانشجویان به خیابان‌ها؛ و بدین ترتیب، قیام دوباره زنده شد، به ویژه آنکه حواس‌ها از جنبش، پرت و متوجه مناقشه میان آمریکا و ایران شده بود؛ همین باعث شد معترضان پرشمارتر از هر اعتراضی که طرفداران صدر در آن حضور داشتند، به خیابان بیایند.

جنبش اعتراضی عراق موفق شد به برخی از اهدافش دست یابد، از جمله استعفای برهم صالح، رئیس جمهور و عادل عبدالمهدی نخست وزیر عراق؛ البته یک سیاستمدار متهم به فساد دیگر، یعنی محمد توفیق علاوی به جای عادل عبدالمهدی بر صندلی نخست‌وزیری تکیه زد.

این اعتراضات در عین حال پرسروصداترین گفتمان ضدایرانی از سال ۲۰۰۳ علیه مداخله ایران در امور داخلی عراق بوده است. در حال حاضر، حکومت با استعفای مقامات بلندمرتبه و وعده اصلاحات اقتصادی درصدد خریدن زمان است. و این در حالی است که شبه‌نظامیان مسلح احزاب سیاسی حاضر در مجلس آشکارا در حال ربایش و کشتار معترضان و دانشجویان در سراسر کشور اند.

حتی مقتدی صدر، متحد جدید ایران، نیز از سازمان «کلاه آبی» خود— که بدواً در هیأت حامی و مدافع معترضان ظاهر شده بود— استفاده می‌کند تا چادرهای معترضان غیرمسلح را با خشونت و ارباب تخلیه کند.

این تغییر نگرش جنبش صدر رویکردی است که از جانب رهبر این جریان اتخاذ شده است، کسی که به سرعت و به راحتی آب خوردن مواضع سیاسی خود را تغییر می‌دهد و با چرخش‌هایش شناخته می‌شود.

جنبش طرفداران صدر یا همان کلاه‌آبی‌ها، با پرچم جیش المهدی نیرویی فعال در جریان کشتار فرقه‌گرایانه سالهای ۲۰۰۶ تا ۲۰۰۸ بودند، در دوران جنگ با داعش، سروکله آنها تحت نام سرايا السلام ظاهر شد. و حالا نیز با سر و صدر آبی، به عنوان «داوطلبان بشردوست» و البته با چماق و چاقو به میدان آمده‌اند. [به‌تازگی مقتدی صدر دستور به انحلال کلاه‌آبی‌ها داده است.]

اکنون می‌توان گفت که عراق نه فقط صحنه قیامی علیه طبقه سیاسی حاکم، شبه‌نظامیان آنها و مداخلات منطقه‌ای، بلکه عرصه قیامی است که می‌خواهد نقاب از سیمای تمام رهبران و چهره‌های سیاسی‌ای بردارد که در پی سوار شدن بر هر حرکت یا موج انقلابی در این کشور اند.

منبع: [اوپن دموکراسی](#)